

بیماعت تفته بیان

صمد شفیع زاده

➤ مقدمه



گروهی در غرب و جنوب آناتولی در نواحی جنگلی کوهستان های پیرامون کرانه های مدیترانه و اژه زندگی می کنند. آنان چهره های بشاش، برخوردار صمیمانه و پوششی متفاوت دارند. هر آنچه دارند برای مهمان است اگر خود تکه نانی خشک بخورند؛ برای مسافر سفره رنگین مهیا می کنند.

کوچ بزرگ اقوام ترک ساکن خراسان در اوایل قرن ۱۱ میلادی آغاز گردید. چادرها برچیده شدند تمام اشیاء بر شتران و اسبان بارگیری شده مهاجرت از خاور به باختر آغاز گردید. گرچه قبلاً مهاجرت هایی از شرق به غرب انجام گرفته بود علی ای حال کوچ اخیر موزاییک اقوام ساکن در آناتولی را به شدت تحت تاثیر قرار داد. در پی این مهاجرت آنان در مالاتیا و ماراش سکنی گزیده اند. مورخین آنان را تاختاچی نامیده اند. قرن هاست که به کار

چوب بری درختان جنگل و تهیه تخته مشغول اند. به آیین علوی و مذهب جعفری معتقداند. تاختاچی در لغت به معنای چوب بر و نجار آمده است. در مناطق جنگلی؛ ماراش، آدانا، ایچل، آنتالیا، موغلا، دنیزلی، اسپارتا، بوردور، آیدین، ازمیر، مانیسا، بالیق اسیر و چاناق قلعه زندگی می کنند. قبلاً زندگی کوچ رویی داشتند. بسیاری از تاختاچی ها، هم زمان با رونق صنعت مبل و چوب به استانبول مهاجرت نمودند. و بعد از سال ۱۹۵۰ در سایر شهرها سکنی گزیده اند. پیشه اصلی آنان چوب بری و



فرآوری درختان جنگلی است. اره و تبر تاختاچی ها اندک اندک با گسترش ماشینیزم به موزه ها سپرده شد. امروزه بسیاری از آنان پیشه آباء و اجدادی خود را به فراموشی سپرده اند. با وجود این اکثر امورات فرآوری درختان جنگلی به دست آنان انجام می گیرد. سال ها قبل، زمانی که طرح حفاظت از جنگل ها به اجرا درآمد بسیاری از تاختاچی ها به صورت مخفیانه بامدادان، قبل از بیدار شدن جنگلبانان به

مناطق جنگلی عازم شده، همگام با طلوع آفتاب راز و نیاز نموده (خواستار عفو و بخشش از پروردگار به سبب بریدن درختان جنگلی) اقدام به بریدن درختان مد نظر می نمودند. و یا روزهای طوفانی را برای رفتن به جنگل بر می گزیدند. عموماً جنگلبانان در زمستان و روزهای بارانی به گشت زنی نمی پردازند. درختان بریده شده بر اسبان بارگیری شده به روستاها آورده می شدند. و باره دستی اقدام به تهیه الوار و تخته می نمودند. این پاسداران واقعی درختان جنگل در بسیاری از اوقات به دست جنگلبانان و ژاندارم ها گرفتار می شدند...

سلجوقیان و عثمانی ها شیعیان و به تبع آن تاختاچی ها را تکفیر نموده همواره آنان را مورد آزار و اذیت قرار می دادند. تاختاچی ها در پی هجوم وحشیانه مغولان به کوه های پر درخت پناه برده زندگی ایزوله ای را آغاز نمودند. بعدها بار دیگر

در جنگل ها و باغات زیتون کوه های توروس گرد هم آمدند. و بالاخره آخرین کوچ آنان به سمت جنوب و غرب آناتولی آغاز گردید. آنان در بیشه زارهای آدانا در کوه های توروس تا جنگل های کوه افسانه ای "کاز" که با نام الهه ها معروف است، تجمع یافته اند.

به اعتقاد (Planhol - 1975) تاختاچی ها و سایر ترک زبانان ایران در طی قرون متمادی به ویژه اوایل قرن ۱۶ میلادی به سوی آناتولی مهاجرت نموده اند و سال ها بعد، برخی از آنان به دلایل مختلف به خصوص فشارها و تضعیقات مذهبی حاکمان عثمانی به سمت ایران بازگشته اند. گویی این که از همان مسیری که به سمت غرب مهاجرت نموده بودند به موطن خود بازگشتند. زین سبب ارتباط تنگاتنگی با سرزمین مادری خویش داشتند.

واژه تاختاچی به صورت مکتوب برای اولین بار در قرن ۱۶ میلادی مطرح شده بود. برای نخستین بار در دفاتر اداره مالیه دولت عثمانی در قرن ۱۶ میلادی به واژه "جماعت تخته چیان" برمی خوریم. تاختاچی ها، به احتمال قریب به یقین از ایران به آناتولی مهاجرت نموده اند آنان بسیاری از آداب و رسوم ترک های ساکن ایران را به یادگار دارند. (Roux - 1987) و (Babinger - 1934)، تاختاچی های ساکن آناتولی را مهاجران ایرانی معرفی می کنند که در اواخر قرن ۱۵ و اوایل قرن ۱۶ میلادی به آنجا مهاجرت نموده اند. مورخان تاختاچی بیان مذکور را تایید می کنند. به سبب نزاعی که در سال ۱۵۱۴ بین بنیادگران شیعه و سنی مذهب آناتولی رخ داد بسیاری از آنان به ایران بازگشتند. به نوشته باینگر، تاختاچی ها احترام بسیاری برای ایرانیان قایل بودند و در مقابل از ترکان آناتولی دوری می جستند اسامی علی و اسماعیل در بین آنان بسیار رایج است. بنا به نوشته های کنسول اتریش، مجارستان؛ تاختاچی ها خود را تبعه دولت عثمانی نمی دانستند. و بسیاری از آنان به تابعیت دولت ایران در آمده بودند. علی رضا بیگ؛ کنسول افتخاری ایران در آن زمان ادعاهای وی را تایید نموده است.

۳۵۰ خانوار طایفه چایلاق در سیلیفگه از کنسولگری گذرنامه ایرانی دریافت نموده بودند. بنا به نوشته های علی رضا بیگ در سال ۱۸۸۴ هم زمان با حکومت قاجار، بسیاری از تاختاچی ها گذرنامه ایرانی داشتند.

در گردهمایی ارزینجان که به دعوت شاه اسماعیل انجام گرفته بود تاختاچی ها نیز حضور داشتند. دولت عثمانی تلاش می کرد تا مردمان ساکن در کوهستان ها را به جلگه ها و دشت زارهای پست کوچ دهد تا امکان تطمیع و در صورت نافرمانی سرکوب آنان میسر شود و نیز امکان اخذ مالیات آسانتر شود. عمده مقاومت ها در برابر این سیاست توسط تاختاچی ها انجام گرفت. این مقاومت تا به اکنون نیز ادامه دارد. تاختاچی عاشق جنگل های سرسبز است و صد البته درخت و آب در نظرگاه آنان مقدس به شمار می رود.

تاختاچی ها در برابر ظلم و ستم حاکمان وقت به رهبری شاه قلی به پا خواستند. آنان تبر در دست به جنگ با ستمگران پرداختند. سایر علویان نیز همگام با آنان قیام کردند. شعله های قیام از کرانه های اژه تا شرق آناتولی گسترده شد.

دولت عثمانی برای قطع ارتباط شیعیان با ایران به ویژه هم زمان با گسترش نفوذ صفویان در ایران، آنان را به نواحی دورتر از ایران در باختر آناتولی و بلغارستان فعلی کوچانیده اند.

برخی از محققان با رسمیت یافتن جمعیت علوی در اواخر حکومت عثمانی درباره تاختاچی ها تحقیقاتی را آغاز نمودند. اما از آنجایی که تاختاچی ها حتی از حضور و تماشای آیین های خود توسط کودکان بیگانه و غیر علوی ممانعت می کردند. تحقیقات انجام گرفته ناقص بوده است. تاختاچی ها به مذهب شیعه و سنن علوی به شدت معتقد اند.

➤ آیین و مراسم های تاختاچی ها

مراسم "جمع" ساختار اجتماعی قدرتمندی در بین تاختاچی هاست. در آن جمع همگان گرد هم می آیند. به درد دل هم گوش فرا می دهند از مشکلات هم مطلع می شوند. آشنایی ها و دوستی های جدید آغاز می گردد. به سماع می پردازند. سماع گنجینه گرانبهای است که از خراسان به یادگار آورده اند. قطعاتی از اشعار شاه اسماعیل و نیز پیر سلطان و درویش علی همراه با سماع با آهنگی موزون خوانده می شود. و بدین وسیله غم غربت و تنهایی را برای دمی به فراموشی می سپارند. آنان به سان سایر شیعیان، به یاد جان باختگان دشت کربلا در ماه محرم عزاداری می کنند و به مدت ۱۲ روز روزه می گیرند. در این مدت زنان از آرایش و مردان از پیرایش خودداری می کنند. آمیختگی فرهنگی بومیان و رومیان ساکن آناتولی با فرهنگ شرقی تاختاچی ها پازل رنگارنگی را پدیدار ساخته است.



اگر نوزاد نورسیده دختر باشد حلوا می پزند، در چهلم تولد نوزاد جشنی برپا می کنند، در شش ماهگی مراسم حنابندان برگزار می کنند، نخستین کسی که رویش دندان های کودک را ببیند؛ هدیه ای گرانبها از والدینش دریافت می کند. وهدایایی از گندم، ذرت، نخود و... به تمامی همسایگان تحت نام "هدیه دندان" فرستاده می شود. برای فرزندان پسر به جزء مراسم حنابندان تمامی مراسم های

مذکور اجرا می شود. و مادر تا چهلم تولد نوزاد روسری رنگارنگ بر سر می کند. اولین پیرایش موی سر برای فرزند ذکور همراه با مراسمی انجام می شود. مراسم جشن ازدواج همانند مراسمات مرسوم در بین سایر مردمان آسیای صغیر می باشد. تنها رویداد متفاوت نصب آئینه بر فراز پرچم رنگارنگی است که بر دروازه خانه داماد برافراشته شده است. آئینه بیانگر، شفافیت و پاکی دل داماد است. در شب حنابندان به رقص و سماع می پردازند. و برای خادمین مراسم و نزدیکان سفره پهن کرده غذا می دهند. پیر، داماد و عروس را فراخوانده پند و اندرز می دهد. و ویژگی های انسان متقی را برای آنان بازگو می کند. آنگاه عروس و داماد از میان جمعیت شادمان و رقصان عبور می کنند. داماد، داماد شب عروسی با تیراندازی مادر شدن عروس و سلامت جسمانی خود را اعلام می کند. عدم تیراندازی بیانگر رخداد نامیمونی است. بعد عروسی، مراسم پای تختی با حضور پیر برگزار می شود. تاختاچی ها در شب پنجم شبه مراسمی برپا می کنند. در این محفل به آموزش سماع می پردازند. اقرار تازه عروس و داماد در این مراسم ضروری است. به تازه عروس، هر آنچه که زینده مادر و شیرزن علوی است آموزش می دهند. در پی این مراسم داماد و عروس بر تحکیم بنیان خانواده متعهد شده و در جمع اقرار می کنند. طلاق در فرهنگ تاختاچی ها حرام است. یکی از ویژگی های بارز فرهنگ علویان ساکن در آناتولی سنت حسنه "مصاحبت" است. هر کس برای خود مصاحبی را انتخاب می کند. آنان همواره در لحظات شیرین و تلخ زندگی در کنار هم می مانند. و پشتیبان و حامی هم هستند. آنان تنهایی و غم غربت را با هم قسمت می کنند. با فوت یکی از هم کیشان همگان در خانه متوفی حاضر شده بر خانواده وی تسلیت می گویند. بعد آن، موسیقی عزا نواخته می شود و همزمان درباره مرگ و رستاخیز سخنرانی می شود. آلت موسیقی به مدت ۴۰ روز در خانه متوفی نگهداری می شود. در این مدت از دست زدن بر آن خودداری می کنند چه که آن آلت موسیقی، ساز مرگ بوده است. مصاحب، یار جان باخته را در آرامگاه ابدی جای می دهد. دلداری بازماندگان

بر عهده اوست. سوم، هفتم و چهلم جان باخته نیز همانند آنچه که در بین سایر اقوام منطقه است بزرگ داشته می شود. جوانانی که قصد پیوستن به جرگه یاران را داشته باشند نخست زن و مردی را به عنوان مریبان بر می گزینند. و آنان درباره همه چیز؛ طرز پوشش، رفتار و کردار با دیگران و... آموزش می بینند. به باور تاختچی ها کشکول و تبرزین پیر از امام جعفر صادق و حضرت علی به آنان به یادگار مانده است.

آنان قرن هاست که در برابر طمع ثروت و حکومت یزید و فرزندانش برخاسته، از مظلومیت علی و فرزندانش حمایت نموده اند...

تاختچی ها به خانقاه های نارلی دره در شهر ازمیر، امیر اوغوللاری و رشادیه شهر آیدین وابسته اند. مرقد امام رضا به عنوان زیارتگاه اصلی تاختچی ها در شهر مشهد ایران واقع شده است.

مهاجرت تاختچی ها، برای یافتن فرصت های شغلی مناسب از روستاها به شهرها، فرهنگ آنان را نیز تحت تاثیر قرار داده است. امروزه بین آنانی که در شهرها زندگی می کنند با موطن خود کیلومترها فاصله است. تاختچی های شهرنشین عموماً افراد محترم و برگزیده اجتماعات مختلف هستند.



تاختچی ها، عید نوروز را همانند سایر هم کیشان شیعه مذهب خود به شکل باشکوهی برگزار می کنند. آنان همانند قیزیل باش ها عید نوروز را روز میلاد حضرت علی (ع) می دانند در آن روز به دیدار هم کیشان خود می روند. در دید و بازدیدها سفره پهن می کنند و زنان تاختچی در پخت و پز غذا به هم دیگر کمک می کنند. مردان نیز به دیدار آرامگاه درگذشتگان رفته، سنگ قبر آنان را با آب

می شویند. برای پیرمردان، پیرزنان، بیماران و در و همسایه "لقمه سلطان نوروز" می فرستند. در آن روز لباس نو بر تن می کنند. جوانان در بعد از ظهر به بازی های محلی مانند طناب کشی، دو و... می پردازند. و دختران سرودهای محلی زمزمه می کنند.

در اردیبهشت ماه برای نکوداشت عید خضر الیاس به زیارتگاه های دور دست رفته و بعد از ذکر "یا الله، یا محمد، یا علی" به راز و نیاز و سماع می پردازند و النهایه جشن و شادمانی به راه می اندازند. بر این باورند که در این روز حضرت خضر پیامبر با حضرت الیاس ملاقات می کنند.

مستدعی است؛ نظر، انتقاد و پیشنهاد خود را درباره این مقاله با نگارنده در میان بگذارید.

info@shafizadeh.net & shafizadeh_f@yahoo.com

➤ عنوان مقاله: جماعت تخته چیان

➤ نوشته: صمد شفیع زاده